



Parenting values of Iranian middle class mothers with preschool children

Rouhollah Shahabi ¹

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.68.9.2

Research Paper

Received:
27 May 2023

Revised:
09 February 2024

Accepted:
05 October 2024

Published:
22 September 2024

P.P: 237-255

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

Iranian society and family have undergone many changes during the last half century. Now there is this basic question that behind these changes, what are the values of Iranian parents for their children? This study was done using descriptive phenomenology method. The sample group consisted of 22 mothers with 3- and 4-year-old children living in Tehran. A semi-structured interview was used to collect data. Results showed politely, independence, legality in daily life, individual care, expression Self-expression and cooperation are most parental values among middle class Iranian mothers. The findings of this study can be seen as the product of the a) some characteristics of preschool children such as insufficient development of self control, b) some cultural traditions of Iranian society such as tendency to be honorable, c) some demographic characteristics of the sample groups such as their gender and level of education, and d) some social changes in recent years such as child-centeredness. An important key is that these findings are not interpreted as weakening the traditional values in the contemporary Iranian family, but it means the continuation of the same values but as a new format.

Keywords: Parenting, parenting values, parenting beliefs, Iranian middle class.

1. Scientific Position, Name of the Faculty, University Name, City, Country

r.shahabi@ihcs.ac.ir

Cite this Paper: Shahabi'R. Parenting values of Iranian middle class mothers with preschool children. The Women and Families Cultural-Educational, 68(3), 237-255.





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

صص: ۲۳۷-۲۵۵

شابا چاپی: ۴۶۴۵-۴۹۵۵

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹

ارزش‌های والدینی مادران طبقه متوسط ایرانی دارای فرزند
پیش‌دبستانیروح‌اله شهابی^۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی ارزش‌های والدینی مادران طبقه متوسط بوده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی انجام شد. گروه نمونه ۲۲ نفر از مادران دارای فرزند ۳ و ۴ ساله ساکن شهر تهران بود. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساخت یافته استفاده شد. فرایند استخراج مقوله‌ها با نگاه به راهبرد هفت‌مرحله‌ای گلابزی انجام شد. تحلیل روایت‌های مادران درباره ارزش‌های والدگری‌شان یا ویژگی‌های مطلوبی که مایل هستند در فرزندان‌شان تحقق یابد به شناسایی ۶۲ کد اولیه، ۲۰ زیرمضمون و هفت مضمون اصلی شامل آداب خواهی، استقلال، قانون‌مندی و نظم در زندگی روزمره، مراقبت فردی، خودکنترلی، اجتماعی بودن و مشارکت منجر شد. یافته‌های این مطالعه را می‌توان محصول برخی ویژگی‌های رشدی کودکان پیش‌دبستانی مانند رشد ناکافی خودکنترلی در این کودکان، برخی سنت‌های فرهنگی جامعه ایران مانند تمایل به آبروداری، برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مادران گروه نمونه مانند جنسیت و سطح تحصیلات آنها و البته برخی تغییرات اجتماعی سال‌های اخیر مانند فرزندمحوری دانست. نکته حائز اهمیت آن است که این یافته‌ها به معنای تضعیف ارزش‌های سنتی خانواده معاصر ایرانی تفسیر نشده است بلکه به مثابه تداوم همان الگوها اما به شکلی دیگر دیده شده است که از آن جمله می‌توان به تداوم ارزش حرف‌شنوی در قالب کنترل‌گری پنهان اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: والدگری، ارزش‌های والدینی، باورهای والدینی، فرزندپروری، طبقه متوسط ایرانی

۱. دانشیار، گروه روان‌شناسی و علم‌النفس، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

r.shahabi@ihcs.ac.ir

استناد: شهابی، روح‌اله. ارزش‌های والدینی مادران طبقه متوسط ایرانی دارای فرزند پیش‌دبستانی؛ فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده،

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.68.9.2. ۲۳۷-۲۵۵، (۳)۶۸

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

ارزش‌های والدینی^۱، به ویژگی‌های مطلوب کودکان از منظر والدین یا به عبارت دیگر به استانداردها و معیارهای مطلوبی اشاره دارد که والدین مایل هستند در رفتار فرزندان‌شان بروز یابد (کوهن^۲، ۲۰۰۶). در واقع هنگامی که والدین باورهایی در مورد ویژگی‌های مطلوب کودکان یا نگرش‌هایی در مورد رفتارهای ترجیحی فرزندان‌شان ابراز می‌کنند آنها در حال بیان ارزش‌های خود برای کودکان‌شان هستند (آلوین^۳، ۲۰۰۱). فرض بر این است که ارزش‌های والدینی، می‌تواند ترجیحات اجتماعی پدر و مادر که شکل‌دهنده مواجهه آنها با فرزندشان است را زیربنایی کند و بر رفتارهای آنها مانند نحوه والدگری، انضباط و تخصیص نقش‌ها و مسئولیت‌ها در خانواده تأثیر بگذارد. برای مثال ارزش «کودک من باید احساس آزادی کند»، این نگرش که «من موافق هستم فرزندم خودش تصمیم بگیرد که تلویزیون نگاه کند» را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه چنین موقعیتی، رفتار والدینی عدم مداخله بروز خواهد کرد (بیگراس و کربالدی^۴، ۲۰۱۳). نکته حائز اهمیت آن است که مرور ادبیات نشان می‌دهد ارزش‌های والدینی فرهنگ وابسته هستند، با طبقه اجتماعی خانواده ارتباط دارند و در طول سال‌ها می‌توانند متأثر از عوامل مختلف تغییر کنند (نگ به کوهن^۵، ۲۰۰۶). در مورد تفاوت‌های میان فرهنگی، مطالعه رویین و چانگ^۵ (۲۰۰۵) معتقد هستند مادران آمریکایی اروپایی تبار برای کودک ایده‌آل خود بر ویژگی‌هایی مانند جسارت^۶، خلاقیت^۷ و استقلال^۸ تأکید دارند در حالی که مادران آمریکای لاتین، اطاعت^۹ و احترام^{۱۰} را دارای اهمیت می‌دانند. در باب اثرگذاری طبقه اجتماعی بر ارزش‌های والدینی، ژائو و آندس^{۱۱} (۱۹۹۹) نشان دادند طبقه اجتماعی تأثیر مثبتی بر ترجیح ارزش‌های خودراهبری^{۱۲} و تأثیر منفی بر ارزش‌گذاری انطباق و نقش‌های جنسیتی سنتی دارد. چندین مکانیسم برای ارتباط طبقه اجتماعی با ارزش‌های والدینی

1. Parental values
2. Kohn, M. L.
3. Alwin, D. F.
4. Bigras, M., & Crepaldi, M. A.
5. Rubin, K. H., & Chung, B
6. Assertiveness
7. Creativity
8. Independency
9. Obedience
10. Respect
11. Xiao, H., & Andes, N.
12. self-direction

پیشنهاد شده است. کوهن (نقل از بیکر و برگ^۱، ۲۰۱۹) معتقد است افراد در موقعیت‌های طبقه‌ای مختلف، در معرض شرایط و تجربیات شغلی متمایزی قرار خواهند گرفت که بر شخصیت و جهت‌گیری‌های ارزشی آنها تأثیر می‌گذارد. وی معتقد است برای نمونه ویژگی‌های مشخص حرفه‌ای و شغلی طبقه متوسط فرصت برای تمرین احتیاط^۲ و خودراهبری است، در مقابل مشاغل طبقه کارگر احتمال بیشتری دارد که با نظارت بر آنها و نیاز به تبعیت از خواسته‌های سرپرستان و مدیران مشخص شوند. کوهن بر پیچیدگی ماهوی شکل‌گیری ارزش‌ها تأکید داشت و معتقد بود شکل‌گیری ارزش‌های والدین از طریق یک فرایند تعمیم‌یافته رخ می‌دهد که در آن آموزه‌های کاری یا محیط شغلی به‌طور مستقیم به حوزه‌های غیرشغلی نیز منتقل می‌شوند و به همین دلیل نیز ارزش‌های والدینی، متعاقب پس‌زمینه طبقه اجتماعی خواهد بود. واینیگر و لارو^۳ (۲۰۰۹) نیز معتقد است اگر چه والدین طبقه متوسط برای خودگردانی ارزش قائل هستند اما معمولاً فرزندان خود را در موقعیت کنترل و مدیریت خرد بزرگسالان^۴ قرار می‌دهند در مقابل کودکان طبقه کارگر اغلب در محیط‌هایی قرار می‌گیرند که تا حد زیادی رها از کنترل والدین هستند.

همچنین به نظر می‌رسد ارزش‌های والدگری در طول سال‌ها نیز متأثر از عوامل مختلف تغییر می‌کند. اوکولسکایا^۵ (۲۰۲۲) تغییر ارزش‌های والدگری را در روسیه طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ بررسی کرده و نشان دادند در دهه ۱۹۹۰ ارزش‌های والدگری بیشتر معطوف به ارزش‌های وابسته به بقا^۶ مانند کار سخت، اطاعت و صرفه‌جویی بوده است اما در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ روس‌ها دیگر چنین ارزش‌هایی را برجسته نکرده بلکه به موازات تغییر در ارزش‌های شخصی‌شان، ارزش‌های دیگری مانند دینداری و خودبیان‌گری برای‌شان اهمیت پیدا کرده است. در مطالعه حمزلاری^۷ (۲۰۱۸) نیز این تغییر ارزش‌های والدگری در نتیجه تحول تاریخی فروپاشی کمونیسم در کشورهای بلوک شرق مانند استونی، بلاروس، رومانی و چک مرور شده است.

1. Baker, W., & Barg, K.
2. Discretion
3. Weininger, E. B., & Lareau, A
4. Micro management and control of adult
5. Okolskaia, L. A.
6. Survival oriented
7. Hamzllari, O.

جامعه و خانواده ایرانی در طول نیم قرن اخیر تغییرات زیادی کرده است. ایران در عمر تاریخی خود، بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی فراوانی تجربه کرده است. هزاران جنگ منطقه‌ای و محلی در تاریخ ایران رخ داده است و ایرانیان پیوسته در معرض هجوم و تجاوز بوده‌اند. در نیم‌قرن اخیر نیز کشور ما تحولات گسترده‌ای را پشت سر گذاشته است؛ تغییر حکومت، ترور و خون‌ریزی، جنگ طولانی، تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده و چالش‌های اقتصادی و تورم تنها برخی از رویدادهای مداومی بودند که مردمان ایران با آن مواجه شدند. طبیعی است که زیست در سرزمینی با این واقعیت‌های تاریخی، روی تکوین الگوهای رفتاری مردمان آن مؤثر باشد (فراستخواه، ۱۳۹۴) و والد ایرانی نگرانی‌ها و ارزش‌های ویژه خود را برای فرزندش داشته باشد. در کنار تغییرات و تحولات جامعه، خانواده ایرانی نیز در طول این سال‌ها تغییرات زیادی یافته است. برخی از این تغییرات با استناد به شواهد پژوهشی دموکراتیک‌شدن خانواده، حرکت به سمت زنانه‌شدن ساختار قدرت در خانواده ایرانی و برخی تغییرات ساختاری بوده است. در پژوهش عنایت و دسترنج (۱۳۸۹)، نشان داده شد که ۸۸/۶ درصد از خانواده‌های مورد مطالعه دارای ساختار تا حدی دموکرات هستند. همچنین گودرزی (۱۳۹۰) نشان داد ۷۵ درصد از خانواده‌های تهرانی، اخذ تصمیم در خانواده را مشارکتی اعلام کرده‌اند. در مطالعه میرزایی، آقایی هیر و کاتبی (۱۳۹۳) شاخص ساختار قدرت که از ترکیب سه بعد میزان تقارن در خانواده، میزان مجاب‌سازی از سوی شوهر و اشتراک عملی در تصمیم‌گیری به دست می‌آید ۶۰/۲۳ درصد برآورد شده است که به معنای آن است که حدود ۶۰ درصد از اعضای جامعه قائل به احترام متقابل بین زن و مرد در انجام امور زندگی و مشارکت در تصمیم‌گیری هستند همچنین در مطالعه کلاهی و شفیع (۱۳۹۶) نیز نوعی الگوی تسلط زن در تصمیم‌گیری‌های خرد و کم‌هزینه گزارش شده است. در خصوص تغییرات ساختاری نیز در سال ۱۳۳۵، اندازه خانوار ایرانی به‌طور متوسط حدود ۵ نفر بود. این رقم تا سال ۱۳۷۵ تقریباً ثابت باقی ماند اما نتایج سرشماری نفوس و مسکن نشان داد پس از آن در سال ۱۳۸۵ به ۴ نفر، در سال ۱۳۹۰ به ۳/۵ نفر و در سال ۱۳۹۵ به ۳/۳ نفر رسید که به معنای آن است که خانوارهای ایرانی به‌طور متوسط به سطح حدود ۱ فرزند رسیدند. حال این سؤال اساسی وجود دارد که در پس این تغییرات، امروز ارزش‌های والد ایرانی برای فرزندش چه است؟ برخی مطالعات تاکنون تلاش داشته‌اند به این پرسش پاسخ دهند. زارع و همکاران (۱۴۰۰) اطاعت و حرف‌شنوی، رعایت ادب و احترام، استقلال

و توانایی دفاع از خود، عاقل و منطقی بودن، آرام بودن، هوش بالا و داشتن اعتماد به پدر و مادر را مهم‌ترین انتظارات مادران ایرانی از یک کودک خوب توصیف کردند. رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، قابلیت‌های روان‌شناختی (مانند حرمت خود و تنظیم هیجان)، قابلیت‌های معطوف به پیشرفت (مانند قابلیت‌های اقتصادی، شغلی و تحصیلی)، قابلیت‌های معنوی (دینداری و اخلاق فردی)، قابلیت‌های بین فردی (مانند صمیمیت، انعطاف)، قابلیت‌های ارتباط خانوادگی (مانند احترام به والدین، همکاری و مشارکت) و قابلیت‌های اجتماعی (مانند حقوق دیگران و قانون‌پذیری) را از مهم‌ترین مفاهیم دارای اولویت از منظر والدین ایرانی دانسته‌اند و حلی‌ساز و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان دادند مقبولیت از نظر دیگران، داشتن ارزش‌های انسانی، قائل بودن جایگاه خاص برای والدین، داشتن گرایش‌های مذهبی و پایبندی به ارزش‌های فرهنگی مهم‌ترین ارزش‌های فرزندپروری نزد مادران ایرانی است. با لحاظ ناهم‌سویی یافته‌های مطالعات محدود گذشته و تفاوت‌های روش‌شناختی با آنها (از لحاظ گروه سنی فرزندان و روش اجرای پژوهش)، همچنین ضرورت تقویت پیشینه پژوهشی موجود، این مطالعه تلاش کرده است به پرسش پیش گفته شده یعنی چیستی ارزش‌های والدینی مادران ایرانی، پاسخ دهد.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. جامعه مطالعه، مادران طبقه متوسط دارای کودک ۳ و ۴ ساله شهر تهران بوده است. در این مطالعه، گروه نمونه، متعلق به طبقه متوسط معرفی شدند. دیدگاه‌های متنوع متفکران در مورد طبقه متوسط، اختلاف در ملاک‌ها و ویژگی‌های این طبقه و نامشخص بودن قلمرو عینی و مصداقی آن، موجب شده است، در این مطالعه، محقق فهم ویژه خود را از این مفهوم بکاربرد. از این رو مقصود از طبقه متوسط، بخشی از نظام قشربندی اقتصادی اجتماعی موجود در جامعه بوده است که فاقد جایگاه والای اجتماعی و رفاهی و اقتصادی هستند و در عین حال در سطوح پایین و محروم جامعه نیز جای ندارند. به این منظور، علاوه بر خود گزارش‌دهی پاسخ‌دهنده مبنی بر متعلق دانستن خود به طبقه متوسط (فهم پاسخ‌دهنده از موقعیت اقتصادی خود)، ملاک‌هایی مانند اشتغال آزاد یا کارمند بودن سرپرست خانواده با برخورداری از

درآمد معمول برای تأمین نیازهای مرسوم زندگی، تحصیلات دست‌کم فوق دیپلم یا لیسانس، مصارف فرهنگی مانند مطالعه نیز در نظر گرفته شد.

گروه نمونه ۲۲ نفر از مادران دارای فرزند ۳ و ۴ ساله از این جامعه بوده است که به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی انتخاب شدند. در این روش، از نمونه اولیه که پژوهشگر به آن‌ها دسترسی داشته است خواسته شد افراد همسان خود را به وی ارجاع دهند. پس از حصول اطمینان از برخورداری شرکت در مطالعه، مصاحبه به صورت تلفنی و توسط یک نفر انجام شد. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شد. ابتدا با مرور جامع ادبیات نظری در مورد ارزش‌های والدگری پروتکل اولیه مصاحبه، تدوین شد. برای نهایی‌سازی پروتکل با برخی از صاحب‌نظران در زمینه خانواده و پژوهش کیفی مشورت شد و پس از اعمال نظر اصلاحی و اجرای نمونه مقدماتی، نسخه اولیه تهیه شد. در ابتدا سؤال کلی زیر پرسش شد: فکر می‌کنید فرزند شما می‌داند چه انتظاری از او دارید؟ در مورد انتظاراتی که از او دارید توضیح دهید. چرا این موضوع برای شما دارای ارزش است؟ همچنین یک سؤال غیر مستقیم مبنی بر قوانینی که مادر مایل است در منزل در ارتباط با فرزندش اعمال کند نیز از آنها پرسش شد. پس از آن متناسب با پاسخ‌های مادر، پرسش‌های دیگری مطرح می‌شد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مادران گروه نمونه *

ردیف	سن	تحصیلات	سن فرزند	جنسیت فرزند	وضعیت اقتصادی گزارش شده
۱	۳۰	لیسانس	۳	دختر	متوسط
۲	۳۱	لیسانس	۳	دختر	متوسط
۳	۳۱	فوق لیسانس	۳	دختر	متوسط
۴	۳۳	فوق لیسانس	۳	دختر	متوسط
۵	۳۰	فوق لیسانس	۳	دختر	متوسط
۶	۳۲	فوق دیپلم	۳	دختر	متوسط
۷	۳۴	لیسانس	۳	دختر	متوسط
۸	۳۶	فوق دیپلم	۳	دختر	متوسط
۹	۳۵	لیسانس	۳	پسر	متوسط
۱۰	۳۲	لیسانس	۳	پسر	متوسط
۱۱	۳۴	فوق دیپلم	۳	پسر	متوسط
۱۲	۳۳	لیسانس	۳	پسر	متوسط

فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

ردیف	سن	تحصیلات	سن فرزند	جنسیت فرزند	وضعیت اقتصادی گزارش شده
۱۳	۳۵	فوق لیسانس	۳	پسر	متوسط
۱۴	۳۴	فوق لیسانس	۳	پسر	متوسط
۱۵	۳۱	فوق دیپلم	۴	پسر	متوسط
۱۶	۳۱	لیسانس	۴	پسر	متوسط
۱۷	۳۳	لیسانس	۴	پسر	متوسط
۱۸	۳۲	دیپلم	۴	پسر	متوسط
۱۹	۳۴	فوق لیسانس	۴	دختر	متوسط
۲۰	۳۵	لیسانس	۴	دختر	متوسط
۲۱	۳۲	لیسانس	۴	دختر	متوسط
۲۲	۳۱	فوق لیسانس	۴	دختر	متوسط
۲۳	۳۱	لیسانس	۴	دختر	متوسط

* تمام مادران گروه نمونه در زمان مصاحبه، خانه‌دار بودند.

زمان انجام مصاحبه از ۴۵ دقیقه تا ۶۳ دقیقه بوده است. تمامی مصاحبه‌ها با موافقت مصاحبه شونده، ضبط صوتی شد و بلافاصله پس از انجام هر مصاحبه، تمام متن آن توسط محقق پیاده‌سازی می‌شد. فرایند استخراج مقوله‌ها با نگاه به راهبرد هفت‌مرحله‌ای کُلایزی (نیکلاس، ۲۰۱۵) در گام‌های زیر انجام شد: (۱) محقق با هدف آشنایی با عمق داده‌ها، از راهبردهایی مانند بازخوانی مکرر و فعال متن مصاحبه استفاده کرده است. (۲) با هدف استخراج جملات مهم، محقق به هر مصاحبه مراجعه و جملات و عبارات مرتبط با موضوع استخراج شد. (۳) مصادیق اولیه مرتبط با پرسش اصلی مطالعه استخراج شد. (۴) در ادامه مصادیق به هم مرتبط در قالب توصیفی جامع از موضوع مورد مطالعه، تلفیق و مضامین اصلی نامگذاری شدند. (۵) به منظور پایایی داده‌ها از نظرهای همکاران پژوهشی و تأیید آن‌ها (ممیز بیرونی)^۱ و درگیری طولانی مدت^۲ استفاده شد. در استفاده از نظرهای همکاران پژوهشی و تأیید آن‌ها، یکی از افراد متخصص، روش کار و یافته‌ها را بازبینی کرده است. علاوه بر این، محقق مدت زمان طولانی درگیر موضوع پژوهش بوده است. برای ارتقای اعتبارپذیری^۳ یافته‌ها، از فنون و راهبردهایی مانند حضور طولانی مدت در محیط پژوهش، تبادل نظر

1. External audit
2. Prolonged engagement
3. Credibility

با هم‌تایان ۱ و کنترل از سوی اعضا ۲ استفاده شد. همچنین از نظرهای دو نفر از متخصصان حوزه والدگری، به‌منظور اعمال نظر نهایی، بهره گرفته شد. همچنین برای ارتقای تأییدپذیری ۳ یافته‌ها، تلاش شد با استفاده از یادداشت در فرایند تحلیل، حتی‌المقدور باورها و انتظارات ذهنی محقق در جریان گردآوری و تحلیل داده‌ها کنترل شود. لازم به توضیح است اشباع نظری در مصاحبه ۱۹ به دست آمد با این حال، جمع‌آوری داده‌ها تا مصاحبه ۲۲ ادامه یافت.

یافته‌های پژوهش

تحلیل روایت‌های مشارکت‌کنندگان (مادران) درباره ارزش‌های والدگری‌شان یا به عبارت دیگر ویژگی‌های مطلوبی که مایل هستند در فرزندان‌شان تحقق یابد به شناسایی ۴۱ کد اولیه، ۱۷ زیرمضمون و هفت مضمون اصلی شامل آداب خواهی، استقلال، قانون‌مندی و نظم در زندگی روزمره، مراقبت فردی، خودکنترلی، اجتماعی بودن و مشارکت منجر شد. نتایج در جدول ۲ و جزئیات بیشتر آن در ادامه آمده است:

جدول ۲. فهرست زیرمضامین و مضامین اصلی مربوط به ارزش‌های والدگری در مادران ایرانی

مضمون	زیرمضمون	کد اولیه
آداب خواهی	پرهیز از بیان سخن نامناسب	حرف زشت نزدن، تکرار نکردن حرف زشت دیگران
	سلام کردن	سلام کردن به مهمان، مهربان بودن با دوستان
	اجازه گرفتن	دست نزدن به وسایل دیگران، انجام برخی کارها با اجازه بزرگ‌تر
استقلال	احترام به بزرگ‌تر	با صدای بلند صحبت نکردن، وسط صحبت دیگران نرفتن
	انجام امورات شخصی	پوشیدن لباس، خوردن غذا، آوردن و جمع کردن اسباب بازی، مرتب‌کردن
	ابراز خود	اعلام نظر کردن،
قانون‌مندی و نظم در زندگی روزمره	رعایت قوانین منزل	سر و صدا نکردن هنگام استراحت دیگران،
	نظم در زندگی روزمره	رعایت زمان در مواردی مانند خواب شبانه، رعایت نظم وسایل منزل

1. Peer debriefing
2. Member check
3. Confirmability

مضمون	زیرمضمون	کد اولیه
	نظافت بدنی، لباس و پوشاک	مسواک زدن، کثیف نکردن لباس، شستن دست،
بهداشت و مراقبت	پرهیز از رفتارهای	صندلی عقب نشستن، دست زدن به وسایل خطرناک
فردی	مخاطره‌آمیز	منزل
	بهداشت تغذیه	نخوردن تنقلات غیرمفید، نخورده میوه نشسته
	کنترل رفتاری	کسی را نزدن، رفتارهایی از قبیل نکوبیدن
خودکنترلی	کنترل کلامی	آرام بودن و سر و صدا نکردن یا با سر و صدا چیزی نخواستن
	رفتار جرأت‌مندانه	حضور در جمع، صحبت کردن در جمع،
اجتماعی بودن	رفتارهای اجتماعی	انجام بازی‌های گروهی، سهمیم کردن اسباب‌بازی‌ها و خوراکی‌ها
	مشارکت در کارهای منزل	کمک کردن هنگام صرف غذا،
مشارکت	همکاری در امور محوله	مراقبت از خواهر/برادر کوچک‌تر،

به‌منظور توضیح بیشتر یافته‌های مطالعه، در ادامه برخی از مصادیق (کدهای اولیه) مربوط به هر یک از مضامین و زیرمضامین خواهد آمد:

- مضمون اصلی آداب خواهی: حرف بد نزنه یا اگر هم جایی شنید اون را تکرار نکنه؛ ما دوست داریم توی یه جمعی که میریم به همه سلام کنه؛ خوب اون انتظاری که من ازش دارم رعایت ادبه، جلوی مهمون، جلوی بزرگتر؛ وقتی مهمون داریم جوری با مهمون صحبت کنه که احترام مهمون را بگیره، خوش رفتار باشه؛ یاد بگیره حتی اگه کارش هم اشتباه باشه دروغ نگه؛ بی‌اجازه دست به وسایل کسی نزنه؛ زمانی که النا صحبت می‌کنه ما سعی می‌کنیم که گوش بدیم و زمانی که من و باباش صحبت می‌کنیم النا میدونه که نباید بیاد وسط صحبتمون؛ خواهر بزرگتر داره، حرف خواهر بزرگترشو باید گوش کنه؛ جایی میره نباید به وسایل اونجا دست بزنه.
- مضمون اصلی استقلال: لباسشو خودش بپوشه یا غذاشو خودش بخوره یا کفششو پاش کنه یا جورابشو بپوشه؛ کمتر اسباب بازی هاشو بریزه؛ هر کس کار خودشو باید خودش انجام بده، حتی آب خوردنشو خودش باید بره بیاره یا مثلاً میوه‌ای که می‌خواد مثلاً من یه سری

- بشقاب گذاشتم توی کابینت‌های پایین که در دسترسش باشه که خودش بتونه بره میوه‌ای که می‌خواد را بیاره. اعلام نظر کنه و ما گوش بدیم بهش،
- مضمون اصلی قانون‌مندی و نظم زندگی روزانه: قوانین خونه را رعایت کنه مثلا ساعت چهاره باباش باید استراحت کنه اون نباید سر و صدا کنه؛ مثلا سر تایم خوابیدن؛ بدونه تلویزیون دیدن به تایم خاصی داره، هر موقعی نمی‌تونه تلویزیون را روشن کنه؛ سر ساعت اگر قرار یا تایمی هست برای رفتن به مهدکودک یا هر جای دیگه سر ساعت آماده باشه؛ سر یک تایم مشخص یک سری کارهارو انجام بده؛ وسایل بازیشو بیره بذاره سر جاش شاید بیره روی تخت پهن بکنه یا بذاره توی کمد نذاره توی کشوش.
 - مضمون اصلی بهداشت و مراقبت فردی: هر شب باید مسواک بزنه، بعد از شام به ده دقیقه که میگذره؛ انتظاراتی که من ازش دارم مثلا نباید کثیف کنه لباسشو؛ با ما میاد بیرون حتما صندلی عقب بشینه تو ماشین؛ بیشتر انتظارات این شکلی هست مثلا اینکه میزان خوابش درست باشه میزان خوراکش به اندازه و درست باشه میزان بازی به اندازه و درست باشه میزان استراحتش درست باشه با بچه‌ها بازی کنه و باهاشون لذت ببره البته؛ نظافت و رعایت کنه دستش رو بشوره غذاشو به موقع بخوره درست بخوره چیزهایی که از نظر بهداشتی مناسب نیست رو نخوره ما بهش می‌گیم دیگه نمیدونم اون میدونه یا در هر صورت سعی میکنیم بهش بفهمونیم؛ به یه سری وسایلی که خطرناکه توی خونه نباید دست بززن.
 - مضمون اصلی خودکنترلی: خشم خودشو کنترل کنه؛ مثلا موقعی که هیچانی میشه، میدونه ما انتظار داریم آروم بشه؛ نباید کسی را بزنه؛ نباید با داد و بیداد از کسی چیزی بخواد؛ پرخاشگری نباشه صحبت کردن قشنگ باشه با همدیگه.
 - مضمون اصلی اجتماعی بودن: انتظار من ازش اجتماعی بودنشه؛ مواقعی که جایی میریم که مثلا یه کم رودروباستی داشته باشه و من نباشم تو اون لحظه پیشش نباشم میگه نه مامانم که من دوست ندارم اینجوری باشه.
 - مشارکت: توی کارهای خونه به اندازه سنش به ما کمک کنه، یا موقعی که داریم سفره میاریم وسایل شام و نهار را میاریم باید کمک بکنه.

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه تلاش داشت ارزش‌های والدینی مادران ایرانی طبقه متوسط را به روشی پدیدارشناسانه، شناسایی کند. مطالعه در مجموع نشان داد مادران ایرانی تمایل دارند فرزندان آنها افرادی مؤدب و مستقل باشند که قانون و نظم را در زندگی روزمره خود رعایت می‌کنند، همچنین آنها ضمن همکاری با سایر اعضای خانواده، افرادی ابرازگر باشند که بر رفتارها و هیجانات خود کنترل داشته و با رعایت بهداشت فردی از خود مراقبت می‌کنند.

یکی از نتایج کلیدی و قابل تأمل این مطالعه که با یافته‌های معدود پیشین (برای مثال رضانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حلی‌ساز و همکاران، ۱۳۹۴) ناهمسو بوده است، عدم اشاره مادران طبقه متوسط ایرانی به «اطاعت» و «حرف‌شنوی» فرزندان از والدین خود به مثابه یک ارزش بوده است؛ موضوعی که به نظر می‌رسد به لحاظ سنتی بخشی از فرهنگ ایرانی باشد. در مقابل آنها بر استقلال، خود راهبری و مشارکت به‌عنوان ویژگی‌های مطلوب مورد انتظار تأکید داشته‌اند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد مادران طبقه متوسط ایرانی در سال‌های اخیر تلاش می‌کنند کودک خود را نه از راه اطاعت [آنگونه که در سنت ایرانی مرسوم بوده است] بلکه از مسیر ایجاد قانونمندی در خانواده، کنترل کنند. این به معنای تضعیف اقتدار سنتی خانواده ایرانی نیست بلکه شاید بتوان از دو منظر به آن نگاه کرد؛ نخست آنکه ممکن است نشاندهنده تمایل خانواده ایرانی به سرمایه‌گذاری بیشتر فرزندان‌شان در فرایندهای خود-انضباطی ۱ و خود-تحوالی ۲ باشد یا ممکن است به معنای آن باشد که والدین طبقه متوسط ایرانی به جای کنترل‌گری آشکار، با تلفیق دو ارزش ظاهراً متناقض یعنی حمایت از خودمختاری و ساختار مداخله‌گرایانه (مانند قوانین روشن و منسجم با پیامدهای قابل پیش‌بینی)، به دنبال تداوم کنترل‌گری خود اما به شکلی پنهان باشند. بر اساس نظریه خود تعیین‌گری ۳ (ریان و دسی ۴، ۲۰۰۰)، کنترل‌گری آشکار اگر چه مطلوب والدین است اما با پیامدهای منفی مانند سرکوب استقلال و خودمختاری، همراه است. به نظر می‌رسد والد معاصر ایرانی با آگاهی از این پیامد منفی،

1. Self discipline

2. Self development

۳. این نظریه بیان می‌کند که انسان واجد سه نیاز پایه است: نیاز به خودمختاری و استقلال، نیاز به شایستگی و نیاز به ارتباط با

دیگران

4. Ryan, R., & Deci, E.

با تأکید بر ساختارهای روشن، به‌دنبال شکل پنهان کنترل‌گری می‌رود که هم تأمین‌کنندهٔ خواسته سنتی والدین ایرانی مبنی بر اعمال کنترل بر فرزند است و هم پیامدهای منفی مترتب بر آن را ندارد. برای مثال یکی از مادران گروه نمونه گفته است: «بلاخره تکرار شده توی خونه ارزش خواستیم این کار را انجام بده، اون کار را انجام بده اینجوری باش اونجوری باش، تقریباً از انتظارات آگاهی داره و میدونه خودش که باید چه کارهایی انجام بده بعضی وقتا میبینه ما اصرار داریم روی یکی از این انتظارات که انجام بده ...». مادر دیگری گفته است: «قطعاً می‌دونه چه انتظاراتی ارزش دارم. یعنی اینکه رفتار خوبی داشته باشه، مؤدب باشه، حرف بد نزنه یا آگه جایی شنید تکرار نکنه سعی کنه خشم خودشو کنترل کنه، خودش می‌دونه که اینا انتظارات ما هست، اینها قانون‌های خونه ماست، ما دوست داریم توی یه جمعی که می‌ریم به همه سلام کنه با همه رفتار خوبی داشته باشه. کما اینکه ما هنوز با سلام نکردنش مشکل داریم چون یه مقداری طول میکشه تا یخش آب بشه ولی خوب سعی میکنه که رعایت کنه ...».

البته ارزش‌گذاری استقلال به شکل‌های مختلفی در گفته‌های والدین وجود داشته است؛ تقابل اطاعت-استقلال در دو دههٔ اخیر همواره یکی از موضوعات کلیدی مطالعات در مورد ارزش‌های والدگری در دنیا بوده است. سنگینی کفهٔ تمایل به پرورش فرزندان مستقل در مادران ایرانی که در مطالعه حاضر نشان داده شد را می‌توان به عواملی مانند گسترش فرزندمحوری، و برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند جنسیت و سطح تحصیلات والدین گروه نمونه، نسبت داد. به نظر می‌رسد در خانواده ایرانی، امروزه فرزند و مصالح او در مرکز توجه قرار دارد و به طور معمول در مورد مسائل متعددی مانند خرید وسایل مربوط به کودک، دید و بازدیدها و روش‌های تربیتی، از فرزند مشورت خواسته می‌شود و حتی خواست آنان در مورد اینکه خانواده چگونه به تفریح بپردازد یا چه غذایی برای افراد خانواده آماده شود، عموماً لحاظ می‌شود. روشن است در چنین فضایی، به جای اطاعت و حرف‌شنوی، استقلال فرزند ارزش پنداشته می‌شود.

تأکید بر استقلال به جای اطاعت را می‌توان به جنسیت والد مورد بررسی یعنی مادران نیز نسبت داد. مطالعات پیشین مانند شیائو و آندس (۱۹۹۹) نشان دادند مادران بیشتر بر خود راهبری^۱ و پدران بر ارزش‌های سنتی و هم‌نوائی^۲ تأکید دارند. اگر چه این مطالعه در جامعه ایران انجام نشده است اما می‌توان چنین تفاوتی را نیز برای والد ایرانی قائل بود. در خانواده ایرانی عموماً این مادر است که وظیفه تربیت و رشد فرزند را بر عهده دارد. در خلال این تربیت و کمک به رشد، مادر از اهمیت مسئولیت‌پذیری و خود راهبری برای زندگی آینده آگاه است و تلاش می‌کند با تأکید بر این ارزش‌ها، فرزندان‌شان را برای چالش‌های زندگی آتی آماده کنند.

سطح نسبتاً بالای تحصیلات والدین گروه نمونه، می‌تواند توجیه دیگری برای ارزش‌گذاری استقلال به جای اطاعت توسط مادران طبقه متوسط باشد. به نظر می‌رسد والدین با تحصیلات پایین و بالا، آینده‌های متفاوتی برای فرزندان خود در نظر می‌گیرند (ریان^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). امروزه والدین دارای تحصیلات سطح بالا، خود مطلع هستند که مشاغل با درآمد خوب که نیاز به مدارک دانشگاهی و آموزش‌های تخصصی اضافی دارند برای تفکر خلاق و مستقلانه ارزش قائل هستند، لذا ممکن است چنین انتظاری نیز از فرزند خود داشته باشند.

مضمون اصلی رعایت ادب، پرتکرارترین ارزشی بوده است که والدین ایرانی تمایل داشتند فرزندان‌شان از آن برخوردار باشند. برای مثال یکی از والدین گفته است: «خوب اولین انتظاری که من از شما دارم رعایت ادب، جلوی مهمون جلوی بزرگتر، اینکه با پدرش چه جور رعایت ادب بکنه چه جور صحبت بکنه، یا وقتی که مهمون داریم چه جور با مهمون صحبت کنه احترام مهمون رو بگیره خوش رفتار باشه یا وقتی مهمون داریم بهش میگم یه جور باهاش رفتار کن که دوست داشته باشه دوباره بیاد اسباب بازیهاشو به طرف بده من دوست دارم بهش بده و اگر نداد من دعواش نمیکنم ولی با مهمون و طرز رفتارش با بزرگترها چرا، با یه بزرگتر که داره صحبت میکنه چه جور ادب رو رعایت کنه اینهارو ارزش انتظار دارم». تأکید بر رعایت ادب به مثابه یک ارزش، همسو با مطالعات پیشین (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حلی‌ساز و همکاران، ۱۳۹۴) بوده است. این مضمون، مضامین فرعی متنوعی شامل بیان سخنان نامناسب یا عدم تکرار آنها؛ رفتار

1. Self-direction
2. Confirmatory
3. Ryan, R. M.

مؤدبانه؛ سلام گفتن؛ احترام به دیگران؛ احترام به درخواست‌های والدین؛ آرامش در کلام؛ پرهیز از دروغ‌گویی؛ اجازه گرفتن برای استفاده از وسایل دیگران و رعایت نوبت در سخن گفتن را شامل می‌شود. ویژگی مشترک این رفتارها که از آنها تعبیر به آداب خواهی یا رفتار و گفتار مطلوب اجتماعی شده است، به‌جا و مناسب بودن گفتار و رفتار نسبت به طرف مقابل، است. به نظر می‌رسد طبقه متوسط ایرانی، پیوسته با این اندیشه که در انظار چگونه جلوه می‌کنند، دلمشغول هستند (مؤید حکمت و همکاران، ۱۳۹۳) و از این‌رو مایل نیستند با نمایش بی‌ادبی فرزند، به بازنمایی مطلوب خود در نظر دیگران، خدشه وارد شود و از این‌رو سعی بر آبروداری دارند. اساساً آبروداری از جمله مسائل مهم برای خانواده‌های ایرانی است و در این زمینه آنها تلاش دارند آبروی خود و به نوعی شأن و جایگاه اجتماعی خود را به هر شکل ممکن تثبیت کنند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۹).

یکی از یافته‌های جالب این مطالعه، بیان خودکنترلی و تنظیم هیجانی کودک به مثابه یک ارزش توسط والدین بوده است. مادر یک کودک چهار و نیم ساله گفته است: «مهم‌ترین انتظار من از ... آروم بودن و سر و صدا نکردن. در واقع مهم‌ترین قانون خونه ما اینه که سر و صدا، آروم باشه یعنی کلا آروم با هم حرف بزیم چون خیلی پدرش روی سر و صدا حساسه بزرگترین قانون ما اینه که آروم حرف بزیم، دری به هم کوبیده نشه، ظرفی زمین زده نشه، صدای بلندی تولید نشه ...». این موضوع در مطالعه رضوانی و همکاران (۱۳۹۷) در قالب «تنظیم هیجانی» به عنوان یکی از مضامین «قابلیت‌های روان‌شناختی» و در مطالعه حلی‌ساز و همکاران (۱۳۹۴) در قالب زیرمضمون «صبوری» ذیل مضمون اصلی «داشتن ارزش‌های انسانی» نیز آمده است. توانایی کنترل تکانه‌ها و تنظیم ابراز هیجانی را می‌توان یکی از خواسته‌هایی دانست که در برخی جوامع، مادران از کودکان خود دارند (تو و همکاران، ۲۰۱۴). این موضوع احتمالاً ریشه در رشد ناکافی خودکنترلی در کودکان داشته باشد. در واقع کودکان به‌واسطه این ناتوانی بر خواسته‌های خود اصرار داشته، مادران نیز از این اصرار کلافه می‌شوند و در نتیجه آرام بودن فرزند را به عنوان یک ارزش مطرح می‌کنند. در زمینه تحول خودکنترلی در کودکان، این باور وجود دارد که خودکنترلی تا حدود ۱۰ سالگی به‌طور روبه‌رشدی، تحول می‌یابد و از این سن به بعد نسبتاً ثابت می‌ماند (پان و زو، ۲۰۱۸). بر این اساس به نظر می‌رسد کودکانِ مادرانِ گروه نمونه این مطالعه هنوز از خودکنترلی

1. Too, T., Wang, L., Fon, Ch., & Gao, W.

2. Pan, Q., & Zhu, Q.

بهینه برخوردار نیستند و چرخه معیوبِ اصرار بر خواسته‌ها توسط کودک، مخالفت مادر و بیان خودکنترلی به مثابه یک ارزش توسط مادر در اینجا نیز صادق باشد. آنچه اهمیت موضوع را بیشتر می‌کند، ثبات خودکنترلی در طول زمان است به این معنا که پس از تحول بهینه خودکنترلی، خودکنترلی بالا در سطح بالا و خودکنترلی پایین تا حد زیادی در سطح پایین باقی خواهد ماند (گاتفردسون و هرشی، ۱۹۹۰ نقل از پان و زو، ۲۰۱۸). شاید مادران با آگاهی از چنین ثباتی یا تغییر دادن دشوار آن همچنین آگاهی از پیامدهای ناصواب خودکنترلی پایین، وضعیت مطلوب آن را به عنوان یک ارزش مطرح می‌کنند. آنچه به عنوان احتیاط در تبیین‌های ارائه شده باید مورد توجه قرار گیرد آن است که تغییرات در خانواده ایرانی از سنتی به مدرن و از مدرن به پسامدرن، تحولی خطی نبوده است بلکه در جامعه ایران می‌توان هر سه الگو را با هم دید؛ به این معنا که خانواده ایرانی می‌تواند در لحظاتی سنتی و در لحظاتی دیگر مدرن یا پسامدرن باشد. به عبارتی دیگر ماهیتی بینابینی در میان این سه داشته باشد. از این رو اگر برخی از تغییرات در خانواده ایرانی که مرتبط با یافته‌های این مطالعه ذکر شدند منطبق با تجارب شخصی خواننده نباشد، می‌بایست احتیاط گفته شده را مد نظر قرار دهد. در این مطالعه تلاش شده بود گروه نمونه از افرادی انتخاب شوند که در متغیرهای احتمالی موثر بر نتایج، ویژگی‌های نسبتاً مشترک داشته باشند. (تأکید می‌شود نسبتاً مشابه نه کاملاً مشابه، از ۲۲ مادر گروه نمونه، ۱۸ نفر دارای تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس بودند، تمامی اعضای گروه نمونه وضعیت اقتصادی خود را متوسط گزارش کردند و تمامی ۲۲ مادر گروه نمونه دارای ۱ یا ۲ فرزند بودند)، از این رو امکان مقایسه نتایج در گروه‌های دارای سطح تحصیلات یا وضعیت اقتصادی متفاوت وجود نداشت (مثلاً مقایسه نتایج در مادران دارای تحصیلات دانشگاهی و غیردانشگاهی، یا مقایسه نتایج در مادران دارای وضعیت اقتصادی بالا و پایین)، با این حال اثرات احتمالی این متغیرها بر نتایج مطالعه در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد. تحصیلات والدین، همواره یکی از منابع مهم ارزش‌های والدگری بوده است (برای مثال نک به شیائو و آندس، ۱۹۹۹). در جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین در مورد رابطه تحصیلات والدین و ارزش‌های والدگری آنها، استوگبار (۲۰۰۸، ۳۲۸) گزارش کرده است که والدین دارای تحصیلات بالاتر به سمت قطب آزادی [خودمختاری] و والدین دارای تحصیلات پایین‌تر به قطب اطاعت و استبداد تمایل دارند. او استدلال می‌کند مادران تحصیل کرده احتمالاً چنین ارزش‌هایی را

از طریق تجربیات و تعاملات خود در حین تحصیل یاد می‌گیرند. (۱) نتایج مطالعه حاضر از این حیث که که اطاعت و فرمانبری به عنوان خواست مطلوب والدین دارای تحصیلات دانشگاهی ایرانی ذکر نشده است یا جمع‌بندی مطالعات پیشین، همسو است با این حال یک ملاحظه مهم وجود دارد. تبعیت از قوانین و نظم در زندگی روزانه یکی از خواست‌های اصلی مادران گروه نمونه بوده است از این رو به نظر می‌رسد عدم تأکید بر اطاعت به معنای کنار گذاشتن آن از سوی مادران گروه نمونه نیست بلکه مادر ایرانی دارای تحصیلات دانشگاهی تلاش می‌کند اطاعت و کنترل مد نظر خود را از راه تعیین قوانین رفتاری و وادار کردن کودک به تبعیت از این قوانین پیاده کند. (۲) ارزش‌ها و انتظارات بیان‌شده توسط مادران گروه نمونه، احتمالاً بیانگر تجربیات شغلی و ارزشی خود مادران بوده است. کسانی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند احتمالاً ارزش‌هایی مانند اطاعت و رفتار غیرجرات‌مندانه را انتظار دارند چرا که مشاغل آنها پایبندی به مقام بیرونی را ارزش می‌داند اما مادران گروه نمونه که دارای تحصیلات بالاتر بودند تفکر مستقل را دارای ارزش می‌دانستند چرا که زیست شغلی و اجتماعی آنها تجربه خود‌هدایتی در کار را برای آنها فراهم کرده بود. (۳) خواست‌هایی مانند استقلال، ابراز وجود، نظم در زندگی روزمره، رفتارهای جرات‌مندانه، همکاری و مانند آن که در مطالعه حاضر احصا شدند می‌تواند ناشی از خود تحصیلات دانشگاهی باشد که مادران گروه نمونه تجربه آن را داشتند، چرا که به نظر می‌رسد آموزش عالی، انعطاف‌پذیری فکری مورد نیاز برای چنین ارزش‌هایی را تقویت می‌کند و دانشجویان در مقام مادران، این ارزش‌ها را به فرزندان خود منتقل می‌کنند.

وضعیت اقتصادی یکی دیگر از منابع مهم ارزش‌های والدگری است. می‌توان به درآمد خانواده به مثابه ابزاری برای مراقبت و بهزیستی اعضا از جمله کودکانی که در خانواده زندگی می‌کنند، نگاه کرد. (۱) با چنین نگاهی، خانواده‌های دارای درآمد متوسط (نمونه مطالعه حاضر) ارزش‌هایی مانند رعایت بهداشت و مراقبت فردی، سعی در خودکنترلی و پرهیز از رفتارهای مخاطره‌آمیز (بخشی از یافته‌های مطالعه حاضر) را مورد تأکید قرار می‌دهند در حالی که این ارزش‌ها در خانواده‌های با درآمد پایین‌تر ممکن است کمتر مورد توجه قرار گیرند. (۲) خانواده‌های دارای درآمد متوسط، احتمالاً قادر هستند سرمایه فرهنگی مناسب‌تری برای فرزندان خود فراهم کنند. پوررحیمی، کنعانی و حلاج‌زاده (۱۳۹۹) نشان دادند به موازات بالا رفتن سرمایه فرهنگی والدین، از میزان رفتارهای

والدگری استبدادی کاسته می‌شود. از همین رو است که در یافته‌های این مطالعه نیز به جای ارزش‌های اطاعت و فرمانبری که ویژگی‌های والدگری مستبدانه است بر ارزش‌هایی مانند مشارکت، ابراز وجود، قانون‌گرایی، نظم و اجتماعی بودن تأکید شده است. تعداد فرزندان در یک خانواده را می‌توان متغیر جمعیت شناختی دیگری دانست که ممکن است ارزش‌های والدگری را تحت تأثیر قرار دهد. در مطالعه حاضر ۷ نفر از مادران گروه نمونه دارای ۲ فرزند و ۱۵ نفر دارای یک فرزند بودند. اگر چه نتایج مطالعه به مقایسه این دو گروه پرداخته است اما به نظر می‌رسد زیست در خانواده‌های دارای یک یا دو فرزند می‌تواند بر ارزش‌ها و انتظارات والدین تأثیر بگذارد. (۱) گمان می‌رود فرزندان در خانواده‌های کم جمعیت زمان بیشتری را صرف فعالیت‌های انفرادی می‌کنند و کمتر درگیر در فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند از این رو ممکن است مهارت‌های اجتماعی ضعیف‌تری داشته باشند (نک به درخشان‌پور و همکاران، ۲۰۲۰). به نظر می‌رسد همین خوف از مهارت‌های اجتماعی ضعیف‌تر موجب شده است والدین گروه نمونه بر ارزش‌های آداب خواهی (مانند پرهیز از بیان سخن نامناسب، سلام کردن، اجازه گرفتن و احترام به بزرگتر) و اجتماعی بودن (رفتارهای اجتماعی) تأکید کنند. (۲) کمال‌گرایی والدین یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های تمایل به داشتن تعداد کم فرزند است (سمعی و همکاران، ۱۳۹۸). از این رو کمال‌گرایی در مادران گروه نمونه که تمامی آنها دارای یک یا دو فرزند بودند به کار ببرند مسیر دیگری است که ممکن است نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار داده باشد. والدین کمال‌گرا ممکن است آرزوهایی که خودشان نتوانستند به آنان برسند را برای فرزندان خود بکار ببرند و نگاه کنترل‌گرایانه داشته باشند. همچنان که پیش از این گفته شد، در مطالعه حاضر این کنترل‌گری در قالب تدوین قوانین و انتظار به رعایت قوانین انجام می‌شود.

فهرست منابع

- افشانی، سید علی‌رضا؛ روحانی، علی و عبدی‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۹). کاربرد تجربی نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده در تبیین رفتار چشم و همچشم‌مانه زنان متأهل شهر یزد. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹ (۲)، ۳۱۵-۳۴۲.
https://jisr.ut.ac.ir/article_76920.html
- پوررحیمی سحر، کنعانی محمدامین، حلاج زاده هدا (۱۳۹۹). نقش سرمایه فرهنگی خانواده در سبک‌های فرزندپروری: مطالعه‌ای در میان سرپرستان خانواده‌های رشت. *فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۷ (۳)، ۹۷-۱۱۸.
<https://qjfr.ir/article-1-1502-fa.html>
- حلی‌ساز، مریم؛ مظاهری، محمدعلی؛ پناغی، لیلی و حسنی، فریبا (۱۳۹۴). ارزش‌های فرزندپروری مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله. *راهبرد فرهنگ*، ۲۹، ۱۴۸-۱۲۱.
https://www.jsfc.ir/article_15068.html
- رمضانی، ولی‌اله؛ عبدخدایی، محمدسعید؛ طیبی، زهرا و آقامحمدیان شرفیاف، حمیدرضا (۱۳۹۷). ابعاد شناختی فرزندپروری والدین ایرانی: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه روان‌شناسی شناختی*، ۶ (۳)، ۲۲-۳۶.
<https://www.sid.ir/paper/270470/fa>
- زارع بیدکی، حمیده؛ طهماسبیان، کارینه؛ پاکدامن، شهلا و داوری اردکانی، نگار (۱۴۰۰). باورهای والدگری در نمونه‌ای از مادران ایرانی: یک مطالعه پدیدارشناسی. *راهبرد فرهنگ*، ۱۴ (۵۶)، ۱۸۲-۱۵۹.
https://www.jsfc.ir/article_131663.html
- سمیعی، هدیه و دهقانی، محسن و پورشهریار، حسین (۱۳۹۸). بررسی تاثیر عامل کمال‌گرایی بر تمایل به تکفروزی در زنان ساکن شهر تهران. *ششمین کنفرانس ملی روان‌شناسی، علوم تربیتی و اجتماعی*، بابل.
<https://civilica.com/doc/906441/>
- صادقی، سید کمال؛ رنج‌پور، رضا؛ متفکر آزاد، محمدعلی؛ اسدزاده، احمد و گرشاسبی فخر (۱۳۹۴). برآورد روند سرمایه فرهنگی در ایران. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۴ (۱۵)، ۱۹۲-۱۵۵.
<https://www.sid.ir/paper/243576/fa>
- عنایت، حلیمه و دسترنج، منصوره (۱۳۸۹). مطالعه ساختار قدرت در خانواده (مطالعه موردی شهر لار). *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۸ (۱)، ۱۰۷-۱۲۴.
https://jwdp.ut.ac.ir/article_20445.htm
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). ما ایرانیان. ویراست دوم. نشر نی. <https://nashreney.com/product/>
- کلاهی، محمدرضا و شفیعی، فاطمه (۱۳۹۶). تجربه روایت‌شده زنان از ساختار قدرت در خانواده. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۳ (۴۸)، ۱۲۹-۱۵۰.
https://www.jcsc.ir/article_29002.html
- مؤید حکمت، ناهید؛ محمدی، بیوک و هاشمی فشارکی، مریم‌السادات (۱۳۹۳). ارزش‌های فرهنگی غالب در سبک‌های زندگی (مطالعه موردی شهر تهران). *نشریه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۵ (۳)، ۱۱۹ تا ۱۴۴.
https://socialstudy.ihs.ac.ir/article_1705.html
- میرزایی، حسن؛ آقایی هیر، توکل و کاتبی، مهناز (۱۳۹۳). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده‌های شهر تبریز. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۲ (۱)، ۶۹-۹۱.
https://social.um.ac.ir/article_25953.html
- Alwin, D. F. (2001). Parental values, beliefs, and behavior: a review and promulga for research into the new century. *Advances in Life Course Research*, 6, 97-139.
[https://doi.org/10.1016/S1040-2608\(01\)80008-3](https://doi.org/10.1016/S1040-2608(01)80008-3)
- Baker, W., & Barg, K. (2019). Parental values in the UK. *The British Journal of Sociology*, 70 (5), <https://doi.org/10.1111/1468-4446.12658>.

- Bigras, M & Crepaldi, M. A. (2013) The differential contribution of maternal and paternal values to social competence of preschoolers, *Early Child Development and Care*, 183:6, 843-855. <https://doi.org/10.1080/03004430.2012.723444>.
- Derakhshanpour, F., Khosravi, A., Shahini, N., Kashani, L., & Salimi, Z. (2020). Comparing social skills between children of single child and multiple children families. *Journal of Fundamentals of Mental health*. 22(4), 211-216. Doi:10.22038/jfmh.2020.16866 . https://jfmh.mums.ac.ir/article_16866.html?lang=en.
- Hamzllari, O. (2018). Parental values and practices across post-communist societies in youth identity formation: a literature review. N. Lebedeva et al. (eds.), *Changing Values and Identities in the Post-Communist World, Societies and Political Orders in Transition*, https://doi.org/10.1007/978-3-319-72616-8_8
- Kohn, M.L. (2006). *Change and Stability: A Cross-National Analysis of Social Structure and Personality*, Boulder, CO:Paradigm. <https://psycnet.apa.org/record/2006-03016-000>.
- Okolskaia, L. A. (2021). Russian parental values in the cross-country context from 1990-1991 to 2017-2020. *Sociological Research*. 59 (4-6), 80-99. <https://doi.org/10.1080/10610154.2021.2133508>
- Pan, Q., & Zhu, Q. (2018). Development of self control in early childhood; a growth mixyure modeling approach. 5, 1544537. <https://doi.org/10.1080/23311908.2018.1544537>.
- Ryan, R., & Deci, E. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55, 68-78. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.1.68>
- Ryan, R. M., Kalil, A., Hines, C., & Ziol-Guest, K. (2020). Trends in parental values in a period of U.S. labor market change. *Journal of Marriage and Family*, DOI:10.1111/jomf.12685. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/jomf.12685>.
- Rubin, K. H., & Chung, B. (2006). *Parenting beliefs, behaviors and parent-child relations. A cross cultural perspective*. New York, Psychological Press. <https://doi.org/10.4324/9780203942901>.
- Stubager, R. (2008). Education Effects on Authoritarian-libertarian Values: A Question of Socialisation, *British Journal of Sociology* 59(2): 327-50. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/18498598/>.
- Too, T., Wang, L., Fon, Ch., & Gao, W. (2014). Development of self-control in children aged 3 to 9 years: perspective from a dual systems model. *Scientific Reports*. 4,7272. DOI: 10.1038/srep07272. <https://psycnet.apa.org/record/2006-08775-017>.
- Weininger, E. B., & Lareau, A. (2009). Paradoxical pathways: An ethnographic extension of Kohn's findings on class and childrearing. *Journal of Marriage and Family*, 71(3), 680-695. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2009.00626.x>. <https://psycnet.apa.org/record/2009-11938-016>.
- Xiao, H., & Andes, N. (1999). Sources of parental values. *Journal of Human Values*. 5(2), 157-167. DOI: 10.1177/097168589900500207. <https://philpapers.org/rec/XIASOP>.

